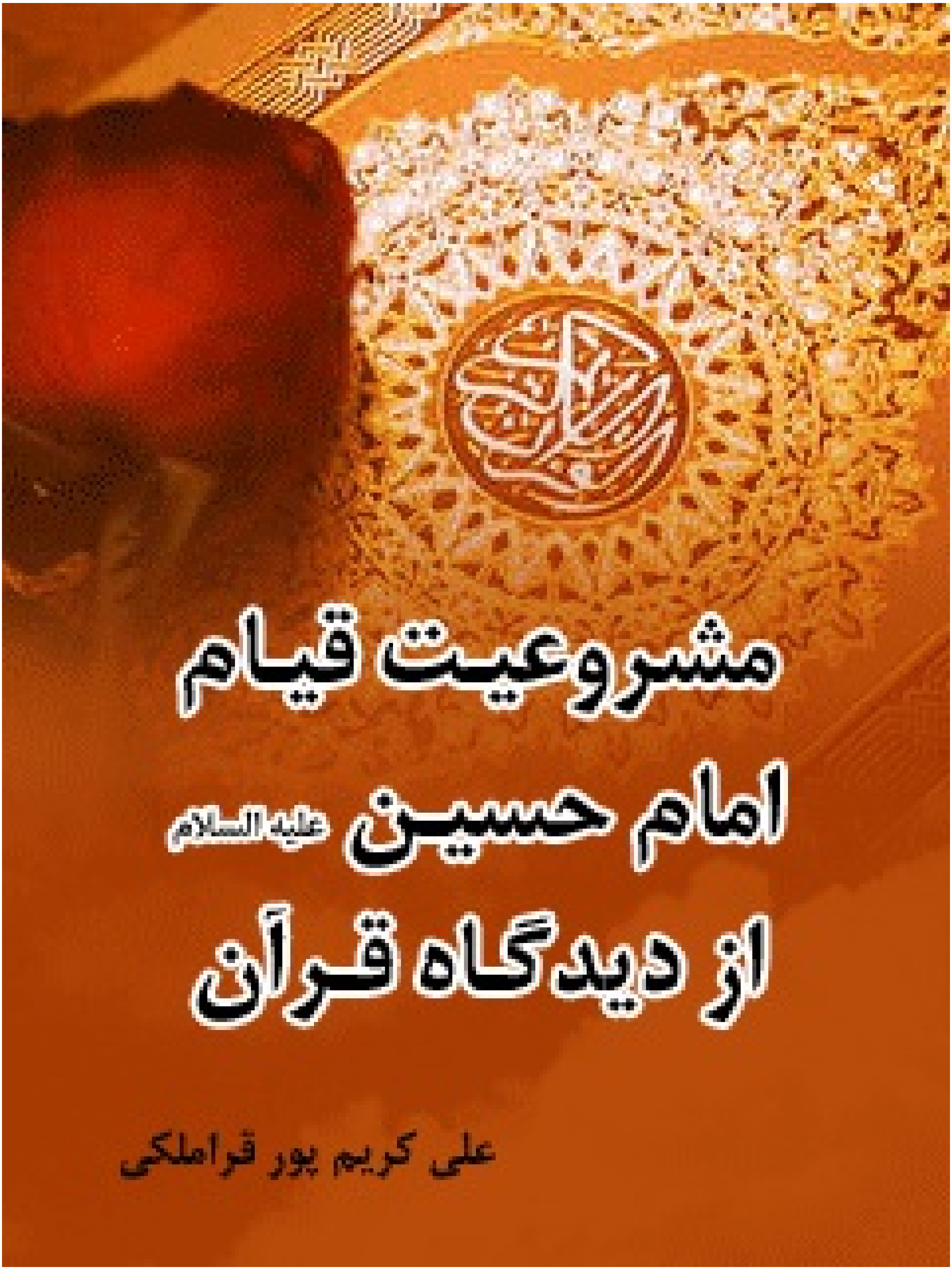

مشروعیت قیام
امام حسین علیه السلام
از دیدگاه قرآن
علی کریم پور قراملکی

بسم الله الرحمن الرحیم

مشروعیت قیام امام حسین (علیه السلام) از دیدگاه قرآن

نویسنده:

علی کریم پور قراملکی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مشروعیت قیام امام حسین علیه السلام از دیدگاه قرآن

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: کریم پور قراملکی، علی ۱۳۵۴-

عنوان و شرح مسئولیت: مشروعیت قیام امام حسین (ع) از دیدگاه قرآن [منبع الکترونیکی] / علی کریم پور قراملکی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۷ بایگانی: ۵۲KB)

موضوع: قیام عاشورا

مشروعیت

قرآن

حسین بن علی (ع)، امام سوم

مقدمه

با توجه به این که انسان متدین امروزی، که به پاره ای از امور اعتقاد دارد، در جهانی زندگی می کند که هجمه های فکری وتبلیغی از اطراف عالم، از طریق رسانه های گروهی،با گرایش های متفاوت، او را هدف قرار داده وبه سوی خود می کشند وهر لحظه احتمال سقوط در منجلاب ِ هلاکت برای وی متصور است، روشن است که شبهاتی پیرامون حقانیت برخی حوادث در مقوله دین و در زمان های گذشته، برای او رخ می نماید که برای صیانت از دین ودینداری، پاسخ های لازم ومتناسب با روز را می طلبد.یکی از این شبهاتی که برای انسان آزاداندیش و مسلمان، همواره مطرح بوده،و اکنون نیز جای پرسش است این است که حرکت و قیام اباعبدالله (ع) بر چه مبنای شرعی و عقلی و اجتماعی صورت گرفت؟ آیا می توان قیام آن حضرت را بر اساس معیارهای قرآنی و حدیثی و ملاک های عقلی و نظری توجیه ومدلل نمود و آن را با موازین اسلامی و شرعی منطبق دانست یا نه؟

پاسخ اجمالی

البته پرسش فوق از دیدگاه کسی که معتقد به امامت و ولایت امامان دوازده گانه، باتوجه به دلایل قرآنی، حدیثی وعقلی است وباور دارد که آنان مثل پیامبران از هر گونه اشتباه مصون هستند روشن است؛ چرا که وی بر اساس این دیدگاه، می تواند ادعا کند که گرچه عقل بشر به تحلیل وتوجیه آن قادر نیست، ولی آن حضرت با توجه به آگاهی کامل و کافی از موازین شرعی و مقتضیات زمانی و مکانی خود، اقدام به چنین کاری را لازم می دانستند لذا به این کار اقدام نموده اند.

بررسی و پاسخ تفصیلی

برای یافتن پاسخ قانع کننده و روشن، ابتدا شایسته است مروری اجمالی به جنبه های مختلف شخصیتی امام حسین (ع) بیفکنیم و نظرات و پاسخ های مختلف عالمان اسلامی را از نظر گذرانده، آن گاه مسئله را از زوایای قرآنی، حدیثی و عقلی پی بگیریم.

شمه ای از زندگی و شخصیت امام

طبق نقل تاریخی، امام در سوم شعبان سال چهارم هجری متولد شد. گفته شده که مدت حمل ایشان فقط شش ماه بوده است. چنان که یحیی بن زکریا (ع) نیز پس از شش ماه تولد یافت. امام در دامانی پاک پرورش یافت ودر زندگی خود قرآن را تجسم عینی بخشید وحیات فردی واجتماعی خود را با آن منطبق ساخت. همواره روزه می گرفت و شب ها به نماز می ایستاد، ۲۵ بار پیاده به حج مشرف شد، در حالی که امکانات سفر برای ایشان فراهم بود. او همواره به جلب خشنودی خدا نظر داشت و رحمت و نصرت او را می طلبید و مصداق بارز این آیه قرآن بود: (انما یخشی الله من عباده العلماء)؛فقط بندگان دانشمند هستند که از خداوند خشیت دارند.این شخصیت با عظمت، همان انسان شریفی است که پیامبر (ص) در موارد متعددی او را توصیف کرده وستوده است. برای نمونه به برخی از آنها که مورد اتفاق شیعه و سنی است، اشاره می کنیم:۱. حسین جوان بهشتی است: «ان الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنه»؛همانا حسن و حسین سرآمد جوانان بهشتی اند.۲. حسین از اهل بیت رسول خدا (ص) است: «هر فرزندی از فرزندان آدم، رابطه خویشاوندیش به پدرشان منتهی می شود، جز فاطمه که من پدر فرزندان او و در رابطه خویشی نزدیک و پدرانه با آنها می باشم.».۳. حسین برای امت اسلامی امام است: «این دو پسرم حسن

و حسین امام هستند، چه قیام کنند و چه سکوت کنند».۴. حسین نگهبان امت اسلامی است: «اهل بیت من پناه و امان امت است.»۵. حسین رفتاری پسندیده و مشروع دارد: «...چه قیام کنند و چه سکوت کنند.»۶. حسین مرتبط ومنسوب به قرآن است: «این دو [عترت و قرآن] از هم جدا نمی شوند تا این که در کنار حوض کوثر بر من وارد گردند.».۷. حسین گل سرسبزِ دنیاست: «حسن وحسین دو گل خوشبوی دنیا هستند.»۸. حسین در امتداد شمایل پیامبر (ص) است: «حسین از من است و من ازحسین.»۹. حسین شهید راه اسلام است: «فرزندم حسین در سرزمین کربلا به شهادت خواهد رسید.» ۱۰. حسین وارث صفات پیامبر (ص) است: «برای حسن، قدرت و سیادت و هیبت خود را وبرای حسین بخشندگی و شجاعتم را به ارث می گذارم.»

دیدگاه های متفاوت پیرامون قیام امام

اشاره

از نظر تاریخی، این موضوع مسلم است که امام در سال ۶۰هجری قمری علیه حاکم وقت؛ یعنی یزید قیام کرد ساخت ودر مخالفت با وضعیت اجتماعی و فرهنگی و سیاسی حاکم بر آن زمان، از هیچ کوشش و تلاشی فروگذاری نکرد و برای غلبه بر این اوضاع، حاضر شد از مدینه به مکه برود، سپس از مکه به کوفه رفتند و همراه خانواده و خویشاوندان خود، جان خود و ۷۲تن از هم سفرانش را قربانی کند.دقت ومطالعه روی آراء صاحب نظران، نشان دهنده نظرات متفاوت آنان در این زمینه است. بخشی از دیدگاه ها به شرح ذیل است:

دیدگاه نخست و نقد آن

برخی افراد اهل سنت معتقدند که اقدام امام، مخالف با موازین شرعی است، مانندصاحب کتاب «العواصم من القواصم». در نظر این دیدگاه، علل خلاف شرع بودن قیام امام عبارت اند از:۱. حسین بیعت اسلامی را شکسته است. ابوبکربن العربی در تشریع این دلیل می نویسد: «شرعاً بیعت با یزید منعقد شده بود؛ زیرا یک نفر با او بیعت کرده است! گرچه حتی این یک نفر پدرش معاویه باشد.»از این سخن به دست می آید که اولاً جامعه با یزید بیعت کرده بود و ثانیاً بیعت به وسیله یک نفر هم قابل تحقق است وکسی حق نادیده گرفتن این را ندارد.جای تعجب است انسان این قدر از وادی مفاهیم اسلامی به دور باشد و در اوهام ذهنی خود به سر ببرد و سخنی گوید که پشتوانه محکم علمی واسلامی نداشته باشد؛ زیرا معلوم است مسائل اجتماعی، اهمیتش فراتر از مسائل فردی است. احراز اتفاق واجماع پیرامون مسائل اجتماعی وتحقق بیعت ضروری است. معلوم است بیعتی که فاقد عنصر فوق باشد، هیچ گونه مشروعیتی ندارد و حکومت

یزید نیز چنین موقعیتی داشت.به قول علامه محمدجواد مغنیه: «من نمی دانم این جناب ابن العربی و کسانی که مانند او فکر می کنند، چگونه بین کشته شدن حسین با شمشیر جدش که بر امام خود یزید خروج کرده وخروج غیر عادلانه وغیر منطقی عایشه و معاویه و طلحه و زبیر علیه امام علی (ع) که انصار و مهاجرین با او بیعت کردند، جمع کرده است؟ چگونه توجیه می کند؟! این حضرات چرا در آنجا سکوت می کنند؟!».۳. افزون بر این، طبق فرمایش پیامبر (ص)، آل ابوسفیان هیچ گونه حق شرعی نداشتند که به مرتبه خلافت وزعامت برسند. حال که بر خلاف سخن و سفارش پیامبر (ص) عمل کردند، چگونه ممکن است امام با پذیرش بیعت، به مشروعیت آنان اقراربکند؟محب الدین خطیب در این باره می نویسد: «یزید اهل عدالت، مراقبت و مواظبت بر نماز و دنبال کارهای خیر وپیوسته مجری وملازم سنت بود...».چگونه یزید مؤمن بود، حال آن که طبق نقل مورخان: «یزید هم بی رحم و قسی القلب وهم غدار وخیانتکار بود. در سرشت او، از رحم وانصاف اثری نبوده است.خوشی های او مانند رفقا و مصاحبینش که تمام پست و رذل وفاسد بودند، حقارت آور بوده است. او رؤسا و پیشوایان مذهبی را این طور تحقیر و بی آبرو می نمود که به یک میمونی لباس عالم روحانی پوشانیده وبعد آن میمون را بر پشت یکی از الاغ های دارای یراق وزین عالی و قشنگ نشانده، هرجا که می رفت او را هم با خودش (برای نمایش) می برد.به شرب خمر معتاد، بود حتی وقتی که در دربار بود مشروب استعمال کرده و عربده می کشید تا این حد که در کوچه وخیابان های شهر پایتخت از او تقلید می نمودند.»از سوی دیگر، تمام هم نشینان یزید، فاسد

بودند واخلاق ناپسند داشتند و همه پشت پا به ارزش های الهی زده بودند. به عنوان مثال، هم نشینش «اخطل» چنین می خواند: «همدمان برخیزید وترانه ها را بشنوید. پیاله ای از شراب بنوشید و یاد قرآن را رها نمایید. صدای سازها مرا از بانگ اذان بازداشته است. حوریان بهشت را با خمره های شراب عوض کرده ام.»سؤال این است که با این اوضاع و احوال، چگونه ممکن است یزید را عادل بشماریم و ادعا بکنیم که او مرد عدالت پرور بوده است.ابوبکر بن العربی می نویسد: «هیچ کس در جنگ با حسین وارد نشد و او را نکشت مگر به تأکید اقوال واحادیث زیادی که از جدش رسول خدا (ص) رسیده بود. می گویند:رسول خدا (ص) فرمود:«... هر کس خواست بین امت متحد، تفرقه بیاندازد، هر کس می خواهد باشد، او را با شمشیر بزنید.»بی شک هر اجتماعی، به صرف اجتماع بودنش مورد رضایت شارع نیست. از نظرقرآن، آن اتفاقی مشروع است که پیرامون تبعیت از خدا صورت بگیرد و یا حول محور اعتصام به حبل الله محقق بشود. از این رو، هر اجتماعی که در محوریت قرآن و سنت نبی اکرم (ص) صورت بگیرد، مقبول شارع قرار می گیرد؛ زیرا قرآن در یک جا می فرماید:(و اعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا)؛ همگی به ریسمان خدا (قرآن واسلام) چنگ زنید، وپراکنده نشوید.در جای دیگر نیز می فرماید: (و تعاونوا علی البرّ والتقوی ولا تعاونوا علی الاثم والعدوان) [همواره] در راه نیکی وپرهیزگاری با هم تعاون کنید. و [هرگز] در راه گناه و تعدّی همکاری ننمایید.بنابراین، به لحاظ این که اجتماع یزید وپیروان او در مخالفت با سنت رسول الله (ص) محقق گشته بود، نمی تواند مورد پذیرش خداوند قرار بگیرد.بعضی از اهل سنت نیز بر این باورند که قیام

امام، ارتباطی به اسلام و قرآن نداشته است؛ زیرا خروج وشهادت امام، نتیجه عمل انجام شده در واقعه بدر و احد بوده است. در این زمینه عبدالکریم خطیب، نویسنده شهیر مصری می گوید: «پس از رحلت نبی اکرم (ص) قریش در مقابل بنی هاشم جبهه گیری وصف بندی نمود وخلافت غصبی را مورد حمایت قرار داد. سپس شمشیرها را کشیده وعلیه بنی هاشم به کار گرفت و پیر و جوان وکودک آنها را از دم تیغ گذراند و اندیشمندان وبزرگان قوم وآزادمردان را آواره و تبعید نمود. گویا می خواست با این اعمال، انتقام خون های بدر واحد را بگیرد. کافی است که تذکر دهیم شهادت حسین و خاندان او در کربلا وآن گاه کشته شدن گروهی ازوابستگان به اهل بیت در «واقعه طف» وپی آمدهای آن وسایر وقایع، نتیجه همان انتقام خونین بوده است.»دیدگاه فوق از چند جهت قابل نقد و ارزیابی است:این که ادعا کنیم انگیزه اجتماع پیروان یزید، تنها موضوع انتقام کشته شدگان قبلی خودشان بوده است واین علت اساسی در وقوع چنین حادثه عظیمی در آن زمان بوده است، درست نمی باشد به این جهت درست است که انگیزه برخی از حاضران در آن قضیه، مسئله انتقام بوده وخودشان نیز در موقع قتال ورو به روشدن با شخص امام حسین (ع) اظهار می داشتند، اما این موجب نمی شود که این را سرایت به همه بدهیم و مدعی شویم که انگیزه آنها تنها این مسئله بوده است.تحلیل قضیه به این صورت، نشان دهنده غفلت از تأمل عمیق، از این مسئله عظیم است. تردیدی نیست در این که حضرت علت قیام خود را مورد اشاره قرار می دهد و از این راه، می خواهد بیان بفرماید که کسی خیال نکند اغراض شخصی باعث مورد

هجمه قرار گرفتن خـانواده اهـل بیت گشـته است، بلکه هـدف احیـای سـنت نبی و اصـلاح امت پیـامبر (ص) به لحاظ وخامت اوضاع وتحریف حقایق اسـلامی است. بنابراین در یک صف، گروه شاکرین ودر صف دیگر گروه طاغوت ها قرار دارد. حال در این وضـعیت پیش آمده، چگونه می توان به این مساله رنگ غیر اسلامی بخشید وآن را خارج از اسلام و قرآن دانست.اگر فرض کنیم که قضـیه فـوق به لحـاظ انتقـام بـوده است، در آن صورت لازم است گروه عرب را گروهی وحشـی وغیر متمـدن معرفی کنیم. حال آن که این مردم مـدتها با پیامبر و اصـحاب پیامبر بودند و وتحت تعلیم وتربیت آنان بودند. چرا که حتی این گروه ظـالم بر زنـان و کودکان خردسال نیز رحم نکردنـد وبی شـرمانه فجایع بزرگی را به نمایش گذاشـتند. بنابراین نتیجه می گیریم که موضوع انتقـام در میان نبوده ویا اساسـی نبود. بلکه مسـئله، نقطه مقابل هم قرار گرفتن اسـلام ناب محمـدی (ص) با اسـلام منقلب و تحریف شده بود که جهالت مردم وعوامل دیگر، باعث گردید. چنین مسـئله ای در تاریخ اسـلام روی دهد. از این رو، می بینیم در صـحنه عاشورا، تنها از جانب برخی انگیزه انتقام مطرح گشت و اما بقیه که اکثریت را تشـکیل می دادنـد، انگیزه های دیگری مـدنظر داشـتند.اقدام امام حسـین در برابر یزیـد را، اگر فرض کنیم در برابر سـتم بود، اما مساوی با هلاکت وبرابر بـا فنـای بی گناه بود، بایـد بر خلاف آیات قرآنی دانست؛ زیرا قرآن می فرمایـد:(وانفقوا فی سبیل الله ولا تلقوا بایـدیکم الی التهلکه)؛ در راه خـدا انفـاق کنیـد، (و بـاترک انفـاق) خود را به دست خود به هلاـکت نیفکنیـد.با این حسـاب، عمـل امام چگونه می تواند با موازین

شرع منطبق باشـد. افزون براین، شـبهه فوق نه تنهـا در رابطه با قیام امام حسـین (ع) قابل طرح است، بلکه درباره برخی حوادث اتفـاق افتاده در تاریـخ حیات ائمه (ع) نیز می توانـد مطرح بشود. از آن جمله،راه افتادن وحرکت امام علی (ع) سوی مسـجدی که می دانست در آن محل، سـرش شـکافته خواهـد شـد وبا این که می دانست ابن ملجم او را زخمی می کند، ولی او را برای اقامه نماز بیدار می کند.

نقد و پاسخ

برای پاسـخ به این گـونه پرسـش هـا، ضـروری است نخست نگـاهی کوتـاه به آیه مورد بحث وتفسـیر آن افکنـده وآن گـاه به بررسـی و تحلیـل اعمـال انجـام شـده از سـوی ائمه (ع) بـپردازیم.این آیه از نظر مفسـران، دو گونه تفسیر شـده است:۱. برخی معتقدنـد که باء در عبارت «بایـدیکم» زائد است و«ایدی» هم کنایه ازقدرت و قوت است. بر این اساس معنی آیه این گونه می شود: در راه خـدا انفاق کنید و برای انفاق نکردن، قدرت وشوکت خودتان را نابود نکنید؛ چرا که مقوله جهاد، به همان اندازه که به مردان زورمنـد وکارآزموده نیازمنـد است، به اموال وثروت نیز احتیاج دارد. گفتنی است که این معنا، با وضـعیتی که در هنگام بروز جنگ در زمان رسول خدا (ص) اتفاق می افتاد، تأیید می شود؛ زیرا در آن زمان، بسـیاری از مسلمانان شور وعشق بـه جهـاد در سر داشـتند ولی نیازمنـد بودنـد.قرآن در این زمینه می فرمایـد: (تولـوا واعینهم تفیض من الـدمع حزنـاً الاـ یجـدوا ماینفقون)؛ با چشـمان گریان وپر اشک بر می گشـتند، محزون بودند که چرا مالی ندارند وسـیله تهیه کنند و در جنگ حاضـر گردند.علامه طباطبایی با طرفداری از نظر فوق، معتقد است: «گرچه آیه، به انفاق مال برای برپایی جنگ در راه خدا

امر می کنـد، اما مفاد آیه مطلق وعموم است و از آن نهی از هرگونه افراط و تفریطی که موجب هلاکت انسان می شود، اراده شـده است».بعضـی دیگر از عالمـان، بـا ادعـای این که بـاء در آیه زائـد نیست و واژه «ایـدی» هم کنـایه از «انفس»، وباء معنای سببیّت است. نهایت این که مفعول در آیه حذف شده است وبر این باورند که آیه به این معناست:خودتان ودیگران را، یا سایر نوامیسـتان را به سـبب فعالیت های خود تباه نکنید.صاحب تفسـیر الفرقان از حامیان این نظر است. از نظر وی، آیه شامل تهلکه هـای نفسـی، عقلی، دینی، عرضـی ومـالی است. در هر صورت، شـبهه هنگامی طرح می شود که گفته شود: گرچه آیه درباره خصوص پرداخت مالی در زمان جنگ سـخن می گوید، لکن با الغاء خصوصـیت معنی، مفهوم عام از آن مراد است و مقصود این است که انسـان نبایـد خودرا در اثر افراط وتفریـط نابود سازد، ولی اگر چنانچه معتقـد باشـیم که آیه، شامل انفاق درزمان جنگ است، دیگر شـبهه منتفی می شود.این گونه نیست که ائمه: این آیه را نادیده گرفته باشـند، بلکه در میان آنان، امام رضا (ع) را می بینیم که در توجیه پـذیرش ولایت عهـدی از سوی مأمون، به همین آیه اسـتناد می کنـد ومی فرماید: «اللهم انک قد نهیتنی عن الالقاء بیـدی الی التهلکه و قد اکرهت و اضـطررت»؛ ای خدا تو خود مرا نهی کرده ای از این که خودم را فنا سازم، زیرا مکره و مجبور شدم...».۲. حرکت و راه افتادن علی (ع) سوی مسجد نیز از مصادیق «القاء نفس به هلاکت» نیست، چرا که اولاً در روایتی وارد شده که همین پرسش را حسن بن جهم از امام رضا (ع) می پرسد و امام (ع) در

پاسخ می فرماید: «ذلک کان ولکنه خیرّ فی تلک اللیله لتمضی مقادیر الله عزوجل» «آن گونه بود وامام می دانست، ولکن همان قضیه در آن شب برگزیده شد تا مقدرات خداوند امضاء گردد.»ثانیاً «امام به علم ظاهری که قابل محو واثبات است وبداء را پذیراست، به قضیه علم داشت ونه به علم باطنی که مخصوص خداوند تعالی است وامام بدان آگاهی ندارد.»از سوی دیگر، حرکت وقیام امام حسین (ع) نیز از تحت شمول آیه خارج است به چند دلیل:الف) هلاکت، در جان دادن واز دست دادن بدن به دفاع از قرآن و اسلام معنی و مفهومی ندارد، در آن جا صدق پیدا می کند که انسان، در عین نیاز اسلام و قرآن به جان فشانی او گام پیش نگذارد وخودش را در ظاهر ومرحله عمل از خطرات مصون بدارد. چرا که این عقب نشینی وپذیرش ستم، نوعی تباهی به شمار می آید و آیه در پی ارائه این معناست که انسان ها حق ندارند این گونه خودشان را به هلاک کنند. بنابراین،منظور آیه نهی از هلاکت معنوی و حقیقی، است نه هلاکت ظاهری و مادی.ب) آیه (لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه) از نظر علم اصول فقه مطلق است و آیاتی که در رابطه با دفاع ومقابله به مثل نازل شده است، مقید هستند. آیه مورد بحث با این گونه آیات مقید می شود. به خصوص با توجه به این که در هیچ کدام از آیات مقید،سخنی از قید «لا تلقوا» نیامده است. پس معلوم می شود که از منظر قرآن، در مقوله دفاع از جان، آبرو و دین، هلاکت واز دست رفتن بدن به منظور دفاع، ارزش ومنزلت عالی هم پیدا می کند و خداوند، اشخاصی را که از برای دفاع اسلام وقرآن جان شان

را از دست می دهند، مژده های خوب وویژه می دهد.ج) بر اساس قاعده علم اصول فقه، این موضوع پذیرفته شده است که امر اهم در مقام معارضه با امر مهم، تقدم وترجیح پیدا می کند. طبق این قانون، می گوییم درست است که صیانت جان از خطرات مهم است، ولکن دفاع از کیان اسلام و قرآن به نوبه خوداز آن مهمتر است.بنابراین صیانت اسلام بر حفظ بدن تقدم می یابد، گرچه این صیانت از طریق هلاکت بدن محقق شود.د) از آنچه بیان شد، معلوم می شود امر به معروف و نهی از منکر در زمان خطرجانی وضرر مالی ساقط می شود، در صورتی که قضیه شخصی یا عادی باشد و اما آن جا که مسئله حیاتی است وعدم اقدام برابر با عذاب اخروی ومساوی با سقوط نظام اسلام و قرآن است عمل به این اصل حیاتی مقید ومشروط به عدم زیان مالی یا جانی نمی شود.

قیام مصلحان از منظر قرآن

ببینیم قرآن کریم در رابطه با مصلحان چه می گوید وانگیزه های آنان را چگونه معرفی وبیان می دارد؟ از مجموع آیات وارد در ارتباط با این مسأله، چند نکته را می توان به شرح ذیل استفاده کرد:۱. در اصلی مخالفت با اصلاح مصلحان از منظر قرآن، برقراری نظام ظالمانه درزندگی بشری وحمایت برخی افراد از آن نظام در عرصه حیات است. خداوند در این زمینه می فرماید: (و ما ارسلنا فی قریه من نذیر الاّ قال مترفوها انّما بما ارسلتم به کافرون)؛ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بیم دهنده نفرستادیم، مگر این که مترفین آنها [که مست ناز و نعمت بودند] گفتند: ما به آنچه فرستاده شده کافریم.نیز در این باره می فرماید: (و کذلک ما ارسلنا من قبلک فی قریه من نذیر الاّ قال

مترفوها انّا وجدنا آبائنا علی امّه و. این گونه در هیچ شهر ودیاری پیش از تو پیامبر انذارکننده ای نفرستادیم، مگر این که ثروتمندان مست ومغرور آن گفتند: ما پدران خود را بر آیینی یافتیم وبه آثار آنان اقتدا می کنیم.از آیه نخست به دست می آید که علت اصلی مخالفت با انبیا، حاکمیت اسراف و اتراف بر عده ای از مردم در زندگی وبرقراری رفتار ستمگرانه بر عده دیگری از افراد جامعه است؛ یعنی انسان های ستمگر برای از دست رفتن موقعیت شغلی ومادی خود در مقابل اصلاح مقاومت می کنند.از آیه دوّم نیز افزون بر استفاده مطلب گذشته این، موضوع نیز استنباط می گردد که گاهی افراد سودجو، برای منحرف کردن افکار عمومی وافراد ستمدیده که دنباله رو رفتار سلف خود هستند، با بهانه قرار دادن آن، در صدد بر می آیند که با ادعای این که میراث گذشتگان با چنین اصلاحی از بین می رود، در مقابل آن بایستند وسعی کنند در این راه از افراد ضعیف هم کمک بگیرند.۲. رعایت نشدن عدالت اجتماعی، علت اصلی دیگر قیام مصلحان از منظر قرآن است. قرآن کریم، با تکیه بر این موضوع که انسان ها باید دنبال اصلاح باشند و عدل اجتماعی را میان خود اجراء کنند، اشاره می کند اگر این روند در جامعه رعایت نشد،می بایستی عده ای برای اصلاح این موقعیت قیام بکنند: (فَلَو لا کان من القرون من قبلکم اولوا بقیه ینهون عن الفساد فی الارض الاّ قلیلاً ممن انجینا منهم...)؛ چرا درقرون (و اقوام) قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟! مگر اندکی از آنها، که نجاتشان دادیم....از این آیه چند نکته نیز استفاده می شود: الف) نهی از فساد در روی زمین و مبارزه

بـا آن برای همـه واجـب اسـت. ب) کمی افراد، مجـوز ترک ایـن وجـوب نیسـت. ج) علت اصـلی فسـاد در روی زمین، اتراف واسـراف است. د) حافـظ بقـاء یـک ملت، عـدل است. ملـک بـا کفر بـاقی می مانـد وبـا بهم خوردن تعادل باقی نمی مانـد.۳. برقراری عدل وقسط نیز، علت اصـلی قیام مصـلحان است. قرآن کریم، هدف از قیام و ارسال افراد مصـلح را برقرار کردن عدل وعمـل به میزان در بین مردم معرفی کرده و متـذکر این مطلب می شود که انسان ها در سایه برقراری نظام عادلانه است که می توانند به تکامل و سعادت واقعی برسند.از این رو در قرآن، از یک سو می بینیم که در تبیین علت قیام موسی علیه فرعون،عمل کردن وی به استضـعاف مردم را گوشـزد می کنـد: (ان فرعون علا فی الارض و جعل اهلها شـیعاً یستضـعف طائفه منهم یـذّبح ابنائهم ویسـتحیی نسائهم انه کان من المفسـدین)؛ فرعون در زمین برتری جویی کرد، واهل آن را به گروههای مختلفی تقسـیم نمود؛ گروهی را به ضـعف و ناتوانی می کشانـد، پسـرانش را سـر می بریـد وزنانشان را [برای کنیزی و خـدمت] زنده نگه می داشت؛ او به یقین از مفسدان بود.واز سوی دیگر، در فلسـفه نزول عذاب و هلاکت بر قومی، عمل نکردن آنها به اصل مهم امر به معروف ونهی از منکر و شـیوع فساد و رواج ظلم در میان آنها را مورد اشاره قرار می دهـد: (کانوا لا یتناهون عن منکر فعلوه لـبئس مـا کـانوا یفعلـون)؛ آنهـا از اعمـال زشـتی کـه انجـام می دادنـد، یکـدیگر را نهی نمی کردنـد، چـه بـدکاری انجـام می دادنـد!».وحـال آن که در نقطه مقابل این آیه به چشم می آیـد: (اولئک هم المفلحون)؛آنها [عاملین به امر به معروف و نهی از منکر] همان رستگارانند.۴.

تحریف وتبـدیل قوانین الهی وآسـمانی، علت دیگر قیام مصـلحان را تشـکیل می دهـد. روشن است که هرگاه جمعیتی به دین خود پای بنـد نباشـند و حتی در مقام تغییر آن بر نیاینـد و به بهانه های مختلف از عملکرد خود حمایت و جانبـداری بکنند، در چنین وضـعیتی، خداونـد درصـدد اصـلاح آنان بر می آیـد و برای انجام آن افرادی را مأمور می کند.خداوند در این زمینه می فرمایـد: (هو الّـذی بعث فی الا ـمیین رسولاً ـ منهم یتلوا علیهم آیـاته ویزکّیهم ویعلمهم الکتـاب والحکمه وان ـ کانوا من قبل لفی ضلال مبین)؛او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند وبه آنان کتاب [قرآن] وحکمت می آموزد و مسلّماً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

حسین اصلاح گر بزرگ از دیدگاه قرآن

برای این که ثـابت شـود، قیـام ابـا عبـدالله (ع) بر اسـاس تعـالیم روح بخش قرآنی صـورت گرفته وبرخواسـته از عمـل به کلا ـم خداونـد است در این زمینه آیاتی را که توجیه گر کارهای امام حسـین (ع) در ابعاد متفاوت می توانـد باشد مورد بررسـی قرار می دهیم. در این رابطه می توان به چنـد نکته اشـاره کرد:۱. هجرت و حرکت امـام: قرآن کریم درباره هجرت وسـبب آن می فرمایـد:(والـذین هاجروا فی الله من بعـد ما ظلموا لنبوّئنهم فی الـدنیا حسـنه ولاجر الاخره اکبر لوکانوا یعلمون)؛ آنها که پس از ستم دیـدن، در راه خدا هجرت کردند، در این دنیا جایگاه (و مقام) خوبی به آنها می دهیم؛ وپاداش آخرت، از آن هم بزرگتر است اگر می دانسـتند.» بی تردیـد، هنگامی که امام، در مـدینه حضور داشت از طرف حاکم مـدینه در اثر فشار یزید،مورد بی مهری قرار گرفت ومنزلت وشخصیت حضرت مورد توجه قرار نگرفت. از این رو،امام با مشاهده ظلم

تصـمیم گرفت به مکه برود. در مکه نیز از طرف مأموران دولتی درمعرض ترور و قتل واقع شد وبرای اجتناب از شکسته نشدن حرمت کعبه ومکه، به کوفه رفت و در میانه راه کوفه وکربلا، با مشاهـده آزار واذیت خلافت باز قصـد هجرت به مکه و مدینه را می کنـد که با مخالفت مأموران نمی تواند بدان جامه عمل بپوشاند.۲. نپذیرفتن خلافت یزید از سوی امام (ع) شـکی نیست که این امر به این سبب بودکه معاویه، حق تعیین جانشین را نداشت و یزید فاقد مشروعیت سیاسی و اجتماعی بود وحق نداشت از امام بیعت بگیرد واین همان ظلم بزرگ واجحافی بود که در حق امام داشت اعمال می شـد. روشن است که امام این حق را داشت که از حقوق خود دفـاع بکنـد و فریـاد خود را به اذهـان مردم برسانـد وچـاره ای برای اطلاع رسانی وآگاه سازی مردم جزقیـام و مخـالفت علنی و ظـاهری بـا دسـتگاه وقت نـداشت.قرآن می فرمایـد: (لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم وکان الله سـمیعاً علیماً)؛ خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدی ها (ی دیگران) را اظهارکند، مگر آن کس که مورد ستم واقع شـده باشـد. خداوند، شـنوا وداناست.» بر اساس این آیه،امام حق داشت که بدی های یزید و اعوان وی را برملا سازد وسـتم های آنها را به گوش مردم برساند.خداونـد می فرمایـد: (اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا وان ّالله علی نصـرهم لقدیر)؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیـده، اجازه جهاد داده شـده است؛ چرا که مورد سـتم قرار گرفته انـد؛ وخدا بر یاری آنها تواناست.۳. تکرار دوران جاهلی واطلاع رسانی امام: پس از رحلت رسول خدا (ص)، افرادی که ریشه در سنن ورسوم

جاهلی داشتند، بسیار تلاش می کردند که سنن گذشته خود را احیا کنند. گفتنی است که با تأمل در حوادث به خوبی روشن می گردد که این فرایند، روز به روز داشت به هدف خود نزدیکتر می شد تا جایی که توانست موروثی کردن تعیین خلیفه را نهادینه کند و در تقسیم بیت المال تبعیض روی دهد وحتی تبعیض قومی و نژادی را مشروعیت بخشد.در چنین موقعیتی است که هشدار وپیش گویی قرآن کریم در ترسیم وضعیت آینده جامعه یعنی سال یازدهم هجری وسال های بعد از آن، مصداق پیدا می کند. قرآن کریم در این ارتباط می فرماید: (و ما محمد الاّ رسول قد خلت من قبله الرسل أفائن مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم ومن ینقلب علی عقبیه فلن یضرّ الله شیئا وسیجزی اللهالشاکرین)؛ محمد (ص) فقط فرستاده خداست؛ وپیش از او، فرستادگان دیگری نیزبودند؛ آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب بر می گردید؟! (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟!) وهر کس به عقب باز گردد، هرگز به خداضرری نمی زند؛ و خداوند به زودی شاکران (و استقامت کنندگان) را پاداش خواهد داد.علّت این امر، این است که امام حسین (ع) در ترسیم وضعیت زمان خود می فرماید: «ان السنه قد امیتت وان ّالبدعه قد احییت»؛ سنت وروش پیامبر مرده است و بدعت های جاهلی دیگرباره احیا شده اند.در همچو وضعیتی، روشن است که وظیفه امام طبق فرمایش قرآن کریم جز استقامت و مقاومت در برابر بدعت ها چیز دیگر نمی تواند باشد. این در حالی است که قرآن کریم می فرماید: (فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً)؛ «خداوند مجاهدان را بر نشستگان پاداش عظیمی برتری بخشیده است.۴. برقراری حکومت

طاغوت واجتناب امام از آن: بی گمان طبق حدیث پیامبر (ص) خلافت بر آل ابوسفیان وطلقا حرام بود. اما از آنان، افرادی چون معاویه، یزید، مروان و ابن زیاد به حاکمیت رسیدند وبا این کار خلاف فرمایش پیامبر (ص) عمل کردند و بدین صورت نشان دادند که مصادیق بارزی از طاغوت هستند، چرا که اگر از آنان نبودند پیامبر از رسیدن آنها به حکومت ممانعت به عمل نمی آورد.قرآن کریم درباره افراد طاغوت می فرماید: (لقد بعثنا فی کل امه رسولاً ان اعبدوالله واجتنبوا الطاغوت)؛ ما در هر امتی رسولی بر انگیختیم که خدای یکتا را بپرستید؛و از طاغوت اجتناب کنید.» به همین منظور امام حسین (ع) در نامه ای به معاویه،می نویسد: «و ما اعلم فتنه اعظم من ولایتک هذه الامه؛ من فتنه ای سهمگین تر از حکومت تو بر این امت سراغ ندارم.آن حضرت درباره یزید، که به گفته مورخان در قرآن ستیزی و محور آثار اسلام و احکام دین کاملاً بی پروا بود، می فرماید: «باید با اسلام خداحافظی کرد که امت اسلامی به فرمانروایی چون یزید گرفتار آمده است.».حال چگونه ممکن است که با این شرایط پیش آمده، امام (ع) کنار بیاید و در برابر این وضعیت چیزی نگوید واقدامی انجام ندهد؟ از این رو، امام بر اساس آیه فوق برای خود وظیفه دید که از طاغوت وقت، لب به اعتراض بگشاید و تنها حاکمیت الهی راپذیراگردد.

نتیجه گیری

امام حسین (ع)، با دارا بودن صفات عدیده ای چون فضیلت، عدالت، عزت و غیره نمی توانست گسترش وشیوع اوصافی چون جهالت، رذیلت، ذلت وامثال آن را در ابعاد زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی وفرهنگی مردم زمانه خود را تحمل کند؛ چرا که امام از یک سو تحت تربیت محمدی

و علوی قرار داشت، واز سوی دیگر به آموزه هـای قرآنی و خـدایی آگاهی کامل داشت. معلوم است که قرآن، ضـمن ترغیب مردم به حرکت رو به رشد و تکامل، آنان را به مبارزه با روند فساد و اصـلاح آن فرا می خواند. امام (ع) با قیام مصلحانه خود، نشان داد که می توان خواسـته های الهی وقرآنی را در جامعه عینیت بخشید و با عمل به آن، سعادت دنیوی و اخروی را کسب کرد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹